

جنايات اسرائيل در کرانه باختری: خبرنامه نوزدهم (۲۰۲۵)

۸ مه ۲۰۲۵



ملک مطر (فلسطین)، اگر درختان زیتون می دانستند، ۲۰۲۵

دوستان عزیز،

درود از طرف تری کنتیننتال: مؤسسه پژوهش های اجتماعی.

در سال ۱۹۴۸، موجودیت نو تأسیس اسرائیل ۷۸ درصد از سرزمین‌های فلسطین را تصرف کرد و بیش از نیمی از جمعیت (۷۵۰ هزار نفر) را از روستاها و شهرهایشان اخراج نمود. این اقدام، ناقض قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۴۷) بود که خواستار پایان قیمومیت استعماری بریتانیا و تقسیم فلسطین به یک دولت فلسطینی و یک دولت یهودی بود. این فرایند به نكبة (فاجعه) معروف شد.

۲ فلسطینیان در غزه، کرانه باختری، بیت المقدس شرقی و کشورهای عربی همسایه گرد هم آمدند با این امید که به زودی قادر خواهند بود به خانه‌های خود بازگردند. درواقع، قطعنامه ۱۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۴۸) تصریح کرد که «به پناهندگانی که مایل به بازگشت به خانه‌های خود و زندگی مسالمت‌آمیز با همسایگان خود هستند، باید اجازه داده شود در اولین تاریخ امکان‌پذیر این کار را انجام دهند و به ایشان غرامت پرداخت شود». هیچ یک از این موارد هرگز اتفاق نیفتاد-فلسطینیان هنوز منتظر آن «اولین تاریخ امکان‌پذیر» هستند.

در سپتامبر ۱۹۴۸، فلسطینیان با شتاب دولتی تمام فلسطینی را در غزه سازماندهی کردند که عمدتاً تلاشی نمادین برای اعمال حاکمیت بر سرزمین‌های غصب‌شده‌شان بود. بسیاری از مقامات آن، از جمله نخست‌وزیر احمد حلمی پاشا عبدالباقی (۱۹۶۳-۱۸۸۲) و وزیر امور خارجه جمال الحسینی (۱۹۸۲-۱۸۹۴)، از خاندان‌های برجسته

فلسطینی بودند که دیدگاه سیاسی شان تحت تأثیر اندوه آن ویرانی بزرگ شکل گرفته بود. در پی توافقات آتش بس ۱۹۴۹- که پس از جنگ ۱۹۴۸ بین اسرائیل و کشورهای همسایه یعنی مصر، لبنان، اردن و سوریه امضا شد- بیشتر سرزمین‌هایی که توسط اسرائیل اشغال نشده بود، تحت سلطه اردن و مصر قرار گرفت: اردن بر آنچه اکنون کرانه باختری و بیت المقدس شرقی نامیده می شود حاکمیت داشت، و باریکه غزه تحت نظر مصر اداره می شد.

۳



سماح شهاده (فلسطین)، خستگی درکردن پس از برداشت محصول ۱، ۲۰۱۷

در سال ۱۹۶۷، اسرائیل کرانه باختری، بیت المقدس شرقی و غزه را تصرف کرد. نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد منطقه را ترک کردند. دست کم ۷۵۰ هزار فلسطینی در این کوچ دوم که بعدها نكسه (عقب نشینی) نامیده شد، از سرزمین های خود گریختند. همان سال، شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۲۴۲ را تصویب کرد که خواستار پایان اشغال این سه منطقه توسط اسرائیل بود. از آن زمان، سازمان ملل متحد رسماً شروع به اشاره به این مناطق به عنوان «سرزمین های اشغال شده توسط اسرائیل از سال ۱۹۶۷» کرد. در اکتبر ۱۹۹۹-پس از تأسیس دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد در سال قبل-سازمان ملل متحد اصطلاح سرزمین های اشغالی فلسطین (OPT) را به عنوان نام رسمی مورد استفاده خود برای اشاره به غزه و کرانه باختری، از جمله بیت المقدس شرقی، پذیرفت که مستقیماً به عبارت «سرزمین های اشغالی» مورد استفاده در کنوانسیون چهارم ژنو در سال ۱۹۴۹ اشاره می کند. این نام گذاری، ادامه اشغال سرزمین های اشغالی فلسطین توسط اسرائیل را طبق قوانین بین المللی غیرقانونی برمی شمارد، از جمله شهرک سازی ها در کرانه باختری، دیوار حائل پیرامون کرانه باختری، الحاق بیت المقدس شرقی، و محاصره کامل غزه.

از اکتبر ۲۰۲۳، اسرائیل نسل کشی خود علیه فلسطینیان در غزه را تشدید کرده است. اقدامات اسرائیل در سایر بخش های سرزمین های اشغالی فلسطین-کرانه باختری و بیت المقدس شرقی-نیز شدت یافته است،

هرچند به دلیل خشونت هولناک در غزه، توجه لازم به آن نشده است. مؤسسه پژوهشی تری کنتیننتال با همکاری مرکز پژوهش و توسعه بیسان (رام‌الله، فلسطین) آژیر قرمز شماره ۱۹ را تحت عنوان «جنايات اسرئيل در کرانه باختری» منتشر کرد که به وضعیت کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی می‌پردازد. مرکز بیسان که از زمان تأسیس در سال ۱۹۸۹ تمرکز ویژه‌ای بر حقوق زنان داشته، یکی از مؤسسات پیشرو در پژوهش‌های اجتماعی در فلسطین بوده است (به‌عنوان نمونه، گزارش سال ۲۰۱۱ آن‌ها متنی شاخص درباره خشونت مبتنی بر جنسیت در سرزمین‌های اشغالی فلسطین است). در این «آژیر قرمز»، ما صرفاً حقایق را—همان‌گونه که توسط سازمان ملل متحد مستند شده‌اند—درباره حمله به جامعه فلسطین در این بخش‌های سرزمین‌های اشغالی فلسطین بیان خواهیم کرد.



Israel's Crimes in the West Bank

RED ALERT | N° 19

پیمان اسلو ۲ و سرزمین‌های اشغالی فلسطین

در سپتامبر ۱۹۹۵، سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) و دولت اسرائیل، توافقنامه موقت اسرائیلی-فلسطینی درباره کرانه باختری و باریکه غزه (موسوم به پیمان اسلو ۲) را امضا کردند که موجب آغاز فرایندی با هدف نهایی ایجاد یک دولت فلسطینی در مجاورت اسرائیل در بخش‌هایی از سرزمین‌های اشغالی فلسطین (OPT) شد. سرزمین‌های اشغالی فلسطین تنها ۲۲ درصد از فلسطین تاریخی (تعریف شده به عنوان سرزمینی که تحت قیمومیت بریتانیا بود) را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، برای فلسطینیان کمتر از یک چهارم سرزمین تاریخی‌شان باقی مانده، و حتی در آن سرزمین نیز اختیارات اندکی دارند یا اصلاً اختیاری ندارند. پس از توافقنامه موقت، کرانه باختری به سه منطقه تقسیم شد:

۷

۱. منطقه الف، که از نظر فنی و از طریق تشکیلات خودگردان فلسطین، تحت کنترل کامل مدنی و امنیتی فلسطینیان است، و حدود ۱۸ درصد از کرانه باختری، یا ۳/۹۶ درصد از فلسطین تاریخی را تشکیل می‌دهد.
۲. منطقه ب، که از طریق تشکیلات خودگردان فلسطین تحت کنترل مدنی فلسطین است اما در عمل تحت کنترل امنیتی اسرائیل قرار دارد و حدود ۲۲ درصد از کرانه باختری، یا ۴/۶۲ درصد از فلسطین تاریخی را تشکیل می‌دهد.
۳. منطقه ج، که کاملاً تحت کنترل اسرائیل است و بیش از ۶۰ درصد از کرانه باختری، یا ۱۳/۴۲ درصد از فلسطین تاریخی را شامل می‌شود.

در عمل، طبق منطق پیمان اسلو ۲-و پس از الحاق بیت المقدس شرقی و اشغال غزه-اسرائیل ۹۷ درصد از فلسطین تاریخی را تحت سلطه دارد.



رهف حاج (فلسطین)، خفگی علی ۲، ۲۰۲۴

تحمیل اختناق بر فلسطینیان در کرانهٔ باختری

عملیات‌های اسرائیل در کرانهٔ باختری به گونه‌ای طراحی شده‌اند که زندگی را برای فلسطینیان غیرقابل تحمل سازند. کنترل‌ها و محدودیت‌های اعمال‌شده بر تردد، آموزش جوانان و اشتغال بزرگسالان فلسطینی را تقریباً غیرممکن کرده است. پیش از اکتبر ۲۰۲۳، اسرائیل ۵۹۰ مانع و ایست‌بازرسی در کرانهٔ باختری ایجاد کرده بود که این تعداد از آن زمان به نزدیک ۹۰۰ فقره افزایش یافته و منجر به توقف تقریباً کامل فعالیت‌های اساسی انسانی شده است. دسترسی فلسطینیان به آب و زمین برای تولید کشاورزی و همچنین آب آشامیدنی ضروری برای یک زندگی شایسته غیرممکن شده است. جرم‌انگاری فعالیت آزانس امداد و کاریبی سازمان ملل متحد (آنرو) توسط اسرائیل، عملیات این سازمان را به شدت مختل کرده و مانع دسترسی پناهندگان فلسطینی (حدود یک‌چهارم فلسطینی‌هایی که در کرانهٔ باختری زندگی می‌کنند) به خدمات اساسی آموزشی، بهداشتی و اشتغال شده است.

آوارگی و مصادره

اسرائیل در حال انجام پاکسازی قومی در کرانهٔ باختری است و از تاکتیک‌هایی مانند تیراندازی، قتل‌عام‌ها، خشونت جنسی، و تخریب خانه‌ها و مزارع استفاده می‌کند تا مردم را با سرعت بیشتری از سرزمین‌هایشان اخراج کند. از زمان آغاز عملیات دیوار آهنین در ژانویهٔ ۲۰۲۵، ارتش اسرائیل ۸٬۲۵۵ خانوادهٔ فلسطینی را با توسل به قوهٔ قهریه از

خانه‌هایشان در اردوگاه‌های پناهندگان جنین (۳۸۴۰ خانوار آواره)، نور شمس (۱۹۱۰ خانوار آواره) و طولکرم (۲۵۰۵ خانوار آواره) آواره کرده است. این خانواده‌ها نواحی مستقیم پناهندگان فلسطینی هستند که در جریان نکه۱۹۴۸ از خانه‌هایشان پاکسازی قومی شدند و از آن زمان تاکنون از حق بازگشت محروم مانده‌اند. علاوه بر این اردوگاه‌های پناهندگان، نیروهای اشغالگر اسرائیل-که شامل هم نیروهای ارتش رسمی اسرائیل و هم شهرک‌نشینان مسلح اسرائیلی می‌شود-بین ژانویه ۲۰۲۲ و سپتامبر ۲۰۲۳، بیست‌وهشت جامعه محلی فلسطینی را از سرزمین‌هایشان بیرون راندند و بین اکتبر ۲۰۲۳ و آوریل ۲۰۲۵، بیش از ۳۵۰۰ سازه، از جمله خانه، آغل، و مخازن آب را در کرانه باختری تخریب کردند.



حنين نزال (فلسطين)، ضد، ٢٠٢٢

مرگ، بازداشت و شکنجه

از اکتبر ۲۰۲۳، نیروهای اشغالگر اسرائیل حدود ۹۰۰ فلسطینی را در کرانه باختری به قتل رسانده‌اند، از جمله دست‌کم ۱۹۰ کودک، و ۸۴۰۰ نفر دیگر را مجروح کرده‌اند. این آمار احتمالاً بالاتر است؛ با توجه به شمار اندک سازمان‌های بشردوست برای مستندسازی متقن خشونت‌های انجام‌شده توسط اسرائیل در منطقه‌ای که نهادهای آن به‌شدت تحت تأثیر نسل‌کشی و اشغال مداوم قرار گرفته‌اند. از اواخر سال ۲۰۲۳، نیروهای اشغالگر اسرائیل ۱۵۰۰۰ فلسطینی را دستگیر کرده‌اند، که بسیاری از این بازداشت‌ها تحت عنوان «بازداشت اداری»، که به اتهام رسمی نیاز ندارد صورت گرفته است (این ارقام احتمالاً به دلیل محدودیت‌های شدید بر حق برخورداری از وکیل، پایین‌تر از واقعیت است). از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، بیش از ۶۵ مورد مستند از قتل فلسطینیان در زندان‌های اسرائیل، بازداشتگاه‌ها، و اردوگاه‌های تمرکز ثبت شده است. خشونت جنسی در این اردوگاه‌ها امری معمول است.

۱۲

مرکز پژوهش و توسعه بیسان، مجمع بین‌المللی خلق، و مؤسسه پژوهشی تری‌کنتیننتال از روشنفکران، گروه‌های جامعه مدنی و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی می‌خواهند که نه‌تنها به تحولات غزه، بلکه به سایر بخش‌های سرزمین‌های اشغالی فلسطین نیز توجه ویژه داشته باشند. نسل‌کشی و جنایات جاری علیه بشریت، نمی‌تواند نادیده گرفته شود یا اجازه داده شود بدون کیفر ادامه یابد.



عود ابو النصر (لبنان)، غزة، ٢٠٢٣



فدوی حافظ طوقان در سال ۱۹۱۷ در شهر فلسطینی نابلس متولد شد. زمانی که در سال ۲۰۰۳ درگذشت، شهر او به عنوان بخشی از کرانه باختری اشغالی تحت حکومت نظامی اسرائیل قرار داشت. محمود درویش، شاعر، مرثیه‌ای برای او نوشت که در آن به این پرداخت که چگونه او، مانند دیگران، ناگزیر بود در مواجهه با رویدادهای بنیان‌برافکن ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ شعر بسراید. درویش پرسید: «شاعر در زمان فاجعه چه می‌کند؟» و چنین پاسخ داد: «ناگهان، شاعر باید از خویشتن به بیرون گام نهد، و شعر گواه است». یکی از مشهورترین اشعار فدوی طوقان «مرغ دریایی و نفی نفی» است که در ۱۵ نوامبر ۱۹۷۹ در الطلیعه، هفته‌نامه‌ای که از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۵ در بیت المقدس منتشر می‌شد و صدای چپ فلسطین را منعکس می‌کرد، به چاپ رسید:

۱۴

از افق گذشت و تاریکی را دو پاره کرد،
فاتح آبی آسمان، پرکشان بر بال‌های روشنایی –
پیچ‌وتاب خوران، دوار، و همچنان در چرخش
بر پنجره تیره‌ام کوبید، و خاموشی نفس بریده به لرزه افتاد:
ای پرنده، آیا پیام‌آور بشارتی؟
رازش را با من گفت، اما دمی بر زبان نیاورد.
آن‌گاه، مرغ دریایی در افق گم شد.

ای پرنده، ای مرغ دریایی من،

اکنون می دانم که در روزگار سخت، ایستاده در دالان خاموشی،
چنین نخواهد ماند.

دانه‌ها حتی در دل مردگان می شکفند،
بامداد از سینه شب سر بر می آورد.

اینک می دانم،

آن گاه که سُم کوبانِ اسبان را بشنوم، آوای مرگ در کرانه‌های ساحل را،
آن دم که سیلاب جاری شود،
جهان از رنج‌هایش پاک خواهد گشت.

۱۵

ای پرنده، ای مرغ دریایی من، ای برخاسته از ژرفای تاریکی،
رحمت پروردگار بر تو باد برای بشارتی که می آوری.

زیرا اکنون می دانم

حادثه‌ای رخ داد... افق شکافته شد، و خانه به روشنای روز درود فرستاد.

با مهر،

ویجی